

امروزه اعتراض سیاسی به عنوان یک پدیده سیاسی اجتماعی به واقعیتی فراگیر در جوامع تبدیل شده است. هیچ حاکمیتی نیست که با مسئله اعتراض سیاسی روبه‌رو نباشد و بخشی از دغدغه نخبگان سیاسی حاکم را شامل نشود. اما جایگاه و حدود اعتراض در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران تا کجاست؟ بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است»؛ از این رو می‌توان گفت که در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعتراض سیاسی زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که به سه شرط اساسی مقید باشد: ۱. آزادی فرد و جامعه را مختل نکند؛ ۲. کرامت انسانی را به چالش نکند؛ ۳. فرد متعرض در برابر رفتار خود مسئولیت مدنی داشته باشد؛ به این ترتیب، اعتراض سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمانی صحیح است که با ثبات سیاسی جامعه همراه باشد و اگر گروه معترض بخواهد ثبات سیاسی جامعه را بر هم بزند، جامعه به سوی ناامنی حرکت می‌کند؛ لذا اعتراض نباید امنیت، آزادی فرد و جامعه، و کرامت انسانی را خدشه دار کند.

بیان مسئله

حقوق اساسی بهترین و گویاترین سند شناسایی نظام‌های سیاسی و دربردارنده اهداف، آرمان‌ها،

اصول و ارزش‌های حاکم بر آن است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری معمار کبیر خود پس از تعیین ساختار نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ و بعد از تأکید رهبر انقلاب اسلامی، قانون اساسی را تدوین کرد که با رأی و مشارکت مردم به ثمر نشست و اجرا شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای چهارده فصل و ۱۷۷ اصل است؛ بنابراین تمام افرادی که تحت حاکمیت انقلاب اسلامی قرار می‌گیرند، باید به شناسایی آن همت بگمارند.

از مهم‌ترین مصادیق حقوق انسان می‌توان به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد. برخی از این حقوق شامل حق حیات و امنیت، برابری، آزادی و حق مشارکت سیاسی، حق مالکیت، حق اشتغال، حق بهزیستی، حق تأمین اجتماعی، حق دادخواهی، حق مشارکت در حیات فرهنگی، حق آموزش و حق مالکیت فکری است (جوان آراسته، ۱۳۹۹: ۲۹-۷۲).

یکی از حقوق انسان‌ها، حق اعتراض است. این در حالی است که پیش‌بینی‌ها این‌گونه بود که با گسترش نظام‌های مردم‌سالار در جوامع، تحولات اجتماعی ناظر به مسائلی چون تغییر اجتماعی، بحران‌های سیاسی و اعتراض سیاسی به حداقل می‌رسد (نش، ۱۳۸۸: ۲۴۹؛ هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۱۰۹)؛ از این رو برخی علت افزایش اعتراض‌های سیاسی را ناشی از تصلب ساختارهای سیاسی می‌دانند، اما به نظر می‌رسد به رغم این پیش‌بینی‌ها روند اعتراض‌های سیاسی افزایش یافته است (طالبیان، ۱۳۸۹: ۱۴).